

«مهدی نوربخش» در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی» و با تأکید بر ضرورت پایان جنگ از منظر تنگنای معیشت مردم:

«بحران‌های اقتصادی» پتانسیل ایجاد نارضایتی‌های ناگهانی را دارند



حمیدرضا مهدیزاده

در روزهایی که فشارهای اقتصادی بر گرده جامعه سنگینی می‌کند و ضرورت فوری گشایش‌های دیپلماتیک بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود، کارشنکی جریان‌های افراطی در داخل به اوج خود رسیده است. در حالی که بدنه جامعه و اکثریت عقلانی جمهوری اسلامی بر ضرورت مدیریت بحران و سرانجام‌بخشی به گفتگوها تأکید دارند، تحرکات جریانی موسوم به حزب‌اللهی از سازماندهی تجمعات شبانه گرفته تا برپایی تریبون‌های فحاشی و هتاک‌ی علیه مسعود پزشکیان و عباس عراقچی توسط پدیده‌ای به نام خرازی- نشان می‌دهد که تندروها تمام‌قد در برابر هر گونه توافق ایستاده‌اند؛ رفتارهایی ناپخته که نه تنها منافع ملی را- پیش بردن کشور در مسیر جنگ آخرالزمانی با ایالات متحده- به‌شدت به مخاطره می‌اندازد، بلکه فرصت‌های حیاتی ایران در عرصه بین‌المللی را هر چه بیشتر می‌سوزاند.

برای بررسی این انسدادآفرینی‌ها و تبعات آن بر وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور، با دکتر مهدی نوربخش «کارشناس روابط بین‌الملل» از واشنگتن، به گفت‌وگو نشستیم. او در این مصاحبه صریح، با تحلیل آرایش سیاسی موجود و رفتارهای تخریبی جریان‌های افراطی تأکید می‌کند که تندروها مانع اصلی دستیابی به توافق با آمریکا هستند. به باور وی، در شرایطی که ایران فعلاً دست‌بالا را در منطقه دارد، اتلاف وقت و میدان دادن به‌افراطی‌گری می‌تواند هزینه‌های جبران‌ناپذیری را به اقتصاد و آینده کشور تحمیل کند. خام‌ها و آقایان، به «میز سیاست‌خارجی توسعه ایرانی» خوش آمدید.



ظاهر ایران و عمان تاحدودی به توافق رسیده‌اند و خبر گزاری‌های متعدد مدعی شده‌اند که طی ساعات آینده بیانیه‌ای مشترک منتشر می‌شود. از سوی دیگر، مقام‌های پاکستانی اعلام کردند که آفری عراقچی روز جمعه عازم اسلام‌آباد خواهد شد؛ هر چند تا این لحظه(عصر جمعه) خبری در خصوص سفر وزیر خارجه به اسلام‌آباد منتشر نشده است. در آن سو، «دوئل ترامپ» مدعی شده که جمهوری اسلامی در

بدون شک در این مذاکرات، طرف عمانی باهماهنگی و حضور مستقیم یاغیر مستقیم آمریکا پیش می‌رود.

کشورهای منطقه همچنان حضور آمریکا را برای امنیت خود ضروری می‌دانند. بنابراین، حتی اگر گفتگوها ظاهر آمیان مسقط و تهران باشد، مطمئن باشید دولت آمریکا در جریان کامل جزئیات قرار دارد و از این فرایند رضایت دارد؛ به‌ویژه در شرایطی که واشنگتن به دلایل مختلف ترجیح می‌دهد ایران مدیریت و دست‌بالا در تنگه‌هرمز داشته باشند

حال گفتگو و توافق باو است، اما تهران ار تباط مستقیم با آمریکا را رد می‌کند. تحولات فعلی را چگونه تحلیل می‌کنید؟

تصور من این است که از یک‌سو آقای ترامپ درباره مذاکرات و دستاوردهای آن غلو می‌کند، و از سوی دیگر در داخل کشور نیز به دلیل مهار و آرام کردن محافظه‌کاران افراطی، واقعیت‌ها شفاف با مردم در میان گذاشته نمی‌شود.

در حال حاضر، مذاکره و به سرانجام رساندن آن هم به نفع ایران است و هم به نفع آمریکا. شرایط اقتصادی هیچ‌یک از دو کشور اجازه تداوم بحران را نمی‌دهد. در داخل آمریکا مشکلات عدیده‌ای وجود دارد و در کشور ما نیز، اگرچه تلاش شده تاب‌آوری اقتصادی بالاتر نشان داده شود، اما هر تحلیلگری با نگاه به آمار و ارقام متوجه وضعیت ناگواری اقتصادی می‌شود؛ وضعیتی که می‌تواند برای دولت و مردم، چالش‌ساز باشد.

برخلاف آمریکا که افکار عمومی و گروه‌های مختلف مدنی علناً با جنگ مخالفت می‌کنند، در ایران بحران‌های اقتصادی پتانسیل ایجاد نارضایتی‌های ناگهانی را دارند. اگر به تجربه ناآرامی‌های گذشته نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که عدم پیش‌بینی یا غفلت از زمینه‌های اقتصادی می‌تواند تبعات سنگینی داشته باشد. از این رو، نباید توجه به ترمیم وضعیت اقتصادی را به تأخیر انداخت.

الجزیره مدعی شده که ایران شرط عمان در خصوص تطابق توافق درباره تنگه هرمز با قوانین بین‌المللی را پذیرفته و بلافاصله محسن رضایی هم توثیت کرد مادامی که محاصره دریایی آمریکا علیه جمهوری اسلامی وجود داشته باشد، مسیر سومی باز نخواهد شد، تحلیل شما از این وضعیت چیست؟

ببینید، برای تحلیل این وضعیت باید دو سطح «دیپلماسی رسمی و حقوقی» و «کنش‌گری‌های سیاسی داخلی» را از هم تفکیک کنیم تا دچار خطای محاسباتی نشویم.

اول؛ در سطح بین‌المللی و حقوقی؛ این ادعای الجزیره مبنای کاملاً عقلانی دارد. وقتی شما وارد چارچوب مذاکرات با میانجی‌گری کشوری مثل عمان می‌شوید، عمان نمی‌تواند طرحی را پیش ببرد که خارج از قواعد حقوق بین‌الملل و به‌ویژه حقوق دریاه باشد. پذیرش تطابق حقوقی از سوی ایران، اصلاً به معنای عقب‌نشینی یا کوتاه آمدن از مواضع استراتژیک نیست؛ بلکه دقیقاً نشان‌دهنده یک «دیپلماسی هوشمندانه» است. اگر چنین اقدامی صورت گرفته باشد، معنایش این است که تهران با این کار نشان می‌دهد: حقوق بین‌الملل را می‌شناسد و باز یگر مسئولیت‌پذیری است. در واقع می‌خواهد از ظرفیت‌های حقوقی برای تثبیت قدرت خود در تنگه‌هرمز استفاده کند. دولت ترامپ همیشه سعی کرده ایران را یک بازیگر مخل امنیت دریانوردی نشان دهد، اما پذیرش این قواعد در چارچوب توافق با عمان، این بهانه را از دست واشنگتن می‌گیرد و موقعیت ایران را در مذاکرات تقویت می‌کند.

دوم؛ در سطح داخلی و واکنش افرادی مثل آقای محسن رضایی؛ این گونه‌موضع‌گیری‌ها و توثیت‌ها را باید در قالب همان فضاسازی‌های جریان‌های افراطی و محافظه‌کار تحلیل کرد. متأسفانه خوانش‌هایی که برخی حضرات از امنیت ملی دارند، یک برداشت کاملاً ایستا و تقلابی است.

می‌کنم: حاکمیت و تصمیم‌گیرندگان اصلی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که باید از ابزار زمان و موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک کشور استفاده کنند. موضع‌گیری‌هایی از جنس توثیت آقای رضایی، سنگ‌اندازی بر سر راه «دیپلماسی گشایش» است، اما اگر تصمیم بر پیشبرد مذاکرات باشد، این نوع مخالفت‌ها نمی‌تواند مسیر اصلی توافقات منطقه‌ای را به کلی متوقف کند. هر چند هزینه‌ها و زمان دست‌یابی به نتیجه را افزایش می‌دهد که اصلاً خوب نیست.

بازگردیم به توافق احتمالی ایران و عمان، خبرگزاری رویترز به ورود کشتی‌ها از مسیر ایران و خروج ششان از تنگه هرمز با کنترل ایران خبر داده و نیویورک پست هم مدعی شده که ایران قرار نیست عوارضی دریافت کند. آیا آمریکایی‌ها پشت‌صحنه این

متأسفانه خوانشی که برخی حضرات از امنیت ملی دارند، یک برداشت کاملاً ایستا و تقلابی است. وقتی امثال آقای رضایی شرط می‌گذارند باط و نشان می‌کشند، عمدتاً مخاطب داخلی دارند؛ یعنی می‌خواهند به‌بدنه حامی خودشان نشان دهند که همچنان ایستاده‌اند و مانع از هر گونه به‌زم خودشان «امتیازدهی» می‌شوند. اما واقعیت میدان این است که نمی‌توان همزمان خواهان حل مشکلات اقتصادی بود، اما هر راه‌حل دیپلماتیک و «مسیر سومی» را پیش از شکل‌گیری تخریب کرد. گره زدن کامل «هر گونه توافق منطقه‌ای در تنگه‌هرمز» به «رفع کامل محاصره دریایی آمریکا» در عمل یعنی قفل کردن دیپلماسی. این دقیقاً همان مانع تراشی‌هایی است که اشاره کردم؛ ایجاد خطوط قرمز ی که در نهایت دست تیم دیپلماتیک و دولت را در مانورهای سیاسی می‌بندد. در نهایت، من تصور

وقتی امثال آقای رضایی شرط می‌گذارند یا خط و نشان می‌کشند، عمدتاً مخاطب داخلی دارند؛ یعنی می‌خواهند به بدنه حامی خودشان نشان دهند که همچنان ایستاده‌اند و مانع از هر گونه به‌زم خودشان «امتیازدهی» می‌شوند.

اما واقعیت میدان چیست؟ واقعیت این است که نمی‌توان همزمان خواهان حل مشکلات اقتصادی بود، اما هر راه‌حل دیپلماتیک و «مسیر سومی» را پیش از شکل‌گیری تخریب کرد. گره زدن کامل «هر گونه توافق منطقه‌ای در تنگه‌هرمز» به «رفع کامل محاصره دریایی آمریکا» در عمل یعنی قفل کردن دیپلماسی. این دقیقاً همان مانع تراشی‌هایی است که اشاره کردم؛ ایجاد خطوط قرمز ی که در نهایت دست تیم دیپلماتیک و دولت را در مانورهای سیاسی می‌بندد. در نهایت، من تصور



مذاکره و به سرانجام رساندن آن هم به نفع ایران است و هم به نفع آمریکا. شرایط اقتصادی هیچ‌یک از دو کشور اجازه تداوم بحران را نمی‌دهد. در داخل آمریکا مشکلات عدیده‌ای وجود دارد و در کشور ما نیز، اگرچه تلاش شده تاب‌آوری اقتصادی بالاتر نشان داده شود، اما هر تحلیلگری با نگاه به آمار و ارقام متوجه وضعیت ناگواری اقتصادی می‌شود؛ وضعیتی که می‌تواند برای دولت و مردم، چالش‌ساز باشد.

تهدید به مجازات افشاگران کرد. برخی تحلیلگران عدم حمله آمریکا به ایران را ناشی از کمبود تسلیحات می‌دانند، اما برخی دیگر این فرض را- برای کشوری با بودجه نظامی آمریکا- غیر واقعی دانسته و مواردی چون ترس از پاسخ متقابل ایران، فلج شدن منطقه، یا مخاطره اتهام «جنایت جنگی» در دادگاه لاهه را دلیل اصلی عقب‌نشینی می‌دانند. ارزیابی شما چیست؟

باید تمام این مولفه‌ها را کنار هم دید. مسئله کمبود برخی ذخایر تسلیحاتی آمریکا موضوع جدیدی نیست و پس از مصارف بالای سال‌های اخیر مطرح شده است، اما این عامل به تنهایی مانع جنگ نیست.

علت اصلی عدم تمایل آمریکا به ورود به جنگ، موارد دیگری است:

۱. مخالفت کشورهای عربی منطقه: کشورهای همسایه شدیداً نگران گسترش جنگ و جهش قیمت حامل‌های انرژی هستند که هم‌اکنون نیز به اقتصاد اروپا و آسیا ضربه زده است.

۲. تبعات اقتصادی برای واشنگتن: هر روز تداوم جنگ، خسارات سنگینی به اقتصاد کشورهای منطقه و در نهایت خود آمریکا وارد می‌کند.

۳. فشارهای سیاسی داخلی و انتخابات پیش‌رو: بخش مهمی از بدنه سیاسی و افکار عمومی آمریکا، این جنگ را مانع‌ای وارداتی از سوی نتانیاهو می‌دانند. جناح‌های سیاسی و حتی چهره‌هایی مانند جی‌دی ونس (معاون ترامپ) با تصدیق تنش مخالفانند و به دنبال پایان دادن به جنگ برای کسب موقعیت سیاسی در انتخابات ۲۰۲۸ هستند. در عرصه داخلی، صداهایی که خواستار پایان سریع تر جنگ و حفظ منافع ملی هستند، هر روز بلند تر شنیده می‌شود. از سوی دیگر، موضع‌گیری تند برخی چهره‌ها علیه دولت و تبسم مذاکره‌کننده با واکنش رسمی دفتر آیت‌الله خاتمی روبه‌رو و تذکب شد. به نظر می‌رسد اکثریت حاکمیت همسو با بدنه جامعه موافق پیشبرد گفتگوها هستند، اما تندر و واهی که الان احساس فراخ بودن میدان را دارند، مانع تراشی می‌کنند. تحلیل شما از این آرایش سیاسی چیست؟

برداشت محافل غربی نیز همین است؛ آن‌ها می‌دانند که در ایران تنوع دیدگاه وجود دارد، اما جناح خواهان توافق و مذاکره در حال حاضر دست‌بالا دارد.

نکته کلیدی این است که در دیپلماسی، «زمان» تعیین‌کننده است. نباید اجازه داد این فرصت از دست برود. درست مانند تحولات انرژی در اروپا پس از جنگ واکراین یا تلاش کشورهای راکش وابستگی به تنگه‌هرمز (از طریق خطوط لوله جایگزین در عربستان، امارات و عراق)، اگر زمان را از دست بدهیم، اهمیت استراتژیک ابزارهای فشار ما کاهش می‌یابد. ایران اکنون که در موقعیت قدرت قرار دارد، باید مذاکرات را به سرانجام برساند. مهدی نوربخش عزیز، سیاس از شما.

من تصور می‌کنم حاکمیت و تصمیم‌گیرندگان اصلی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که باید از ابزار زمان و موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک کشور استفاده کنند. موضع‌گیری‌هایی از جنس توثیت آقای رضایی، سنگ‌اندازی بر سر راه «دیپلماسی گشایش» است، اما اگر تصمیم بر پیشبرد مذاکرات باشد، این نوع مخالفت‌ها نمی‌تواند مسیر اصلی توافقات منطقه‌ای را به کلی متوقف کند. هر چند هزینه‌ها و زمان دست‌یابی به نتیجه را افزایش می‌دهد که اصلاً خوب نیست

گفتگوها حضور دارند پس این فرایند صرفاً دوجانبه و میان ایران و عمان است؟ (هر چند فرض دوم چندان قوی به نظر نمی‌رسد).

کاملاً با شما موافقم که فرض دوم منطقی نیست و بدون شک در این مذاکرات، طرف عمانی با هماهنگی و حضور مستقیم یا غیر مستقیم آمریکا پیش می‌رود. کشورهای منطقه همچنان حضور آمریکا را برای امنیت خود ضروری می‌دانند. بنابر این، حتی اگر گفتگوها ظاهر آمیان مسقط و تهران باشد، مطمئن باشید دولت آمریکا در جریان کامل جزئیات قرار دارد و از این فرایند رضایت دارد؛ به‌ویژه در شرایطی که واشنگتن به دلایل مختلف ترجیح می‌دهد ایران مدیریت و دست‌بالا در تنگه‌هرمز داشته باشند.

اخیراً اخباری درباره تنش در کمپ دیوید میان ترامپ و پنتاگون منتشر شد که به‌دراز اطلاعات نظامی و کمبود موشک اشاره داشت. حتی ترامپ



سال‌های گذشته یکی از معدود کشورهای منطقه بوده که همزمان روابط نزدیک خود با ایران را حفظ کرده و کانال ارتباطی با غرب و آمریکا داشته است.

عمان تلاش می‌کند موضوع هرمز را از یک بحران امنیتی به یک پرونده فنی و حقوقی تبدیل کند؛ یعنی به جای تمرکز بر رویارویی نظامی، درباره قواعد عبور، هماهنگی دریایی و کاهش خطر درگیری مذاکره شود.

برای مسقط، بسته ماندن یا ناامن شدن هرمز نه فقط یک مسئله سیاسی بلکه یک تهدید مستقیم اقتصادی و امنیتی است. به همین دلیل، عمان تلاش دارد توافقی شکل دهد که هم‌نگرانی‌های ایران را کاهش دهد و هم مانع از رویارویی دوباره تهران و واشنگتن شود.

مذاکرات در چه مرحله‌ای است؟

بر اساس گزارش‌های منتشر شده، مذاکرات ایران و عمان از مرحله طرح کلیات عبور کرده و وارد بحث درباره جزئیات شده است، اما هنوز به یک توافق اجرایی نهای نرسیده است.

مهم‌ترین مسائل حل شده همچنان شامل نقش آمریکا در امنیت منطقه، نحوه عبور شناورهای نظامی، حدود اختیارات ایران و عمان، موضوع هزینه‌های دریایی و تضمین اجرای توافق است.

به همین دلیل، در شرایط فعلی نمی‌توان از «پایان بحران هرمز» سخن گفت. آنچه وجود دارد بیشتر یک تلاش دیپلماتیک برای کنترل بحران و جلوگیری از تبدیل شدن این تنگه به نقطه آغاز یک رویارویی تازه است.

هرمز؛ اولین آزمون دیپلماسی پس از جنگ

پرونده هرمز اکنون به یکی از مهم‌ترین آزمون‌های دیپلماسی منطقه تبدیل شده است. ایران می‌خواهد نشان دهد که امنیت خلیج فارس بدون حضور و نقش تهران امکان‌پذیر نیست؛ آمریکا تلاش می‌کند مانع از ایجاد ترتیبی شود که نفوذ ایران را در یکی از مهم‌ترین مسیرهای انرژی جهان افزایش دهد؛ و عمان میان این دو دیدگاه، به دنبال راهی برای کاهش تنش است.

در نهایت، سرانجام مذاکرات هرمز بیش از آنکه فقط به یک توافق دریایی وابسته باشد، به آینده رابطه ایران و آمریکا و میزان آمادگی دو طرف برای عبور از منطف قابل بستگی دارد. توافق ایران و عمان می‌تواند گامی برای کاهش بحران باشد، اما به تنهایی پایان اختلاف بزرگ‌تر بر سر امنیت خلیج فارس نخواهد بود.

باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود و ایران اجازه نخواهد داد وضعیت هرمز به دوران پیش از بحران بازگردد، بدون آنکه نگرانی‌های امنیتی و سیاسی تهران مورد توجه قرار گیرد. در سوی دیگر، واشنگتن نگران آن است که هر گونه توافق جدید به معنای افزایش کنترسل ایران بر یکی از مهم‌ترین مسیرهای انرژی جهان باشد.

اختلاف بر سر امنیت است یا کنترل هرمز؟

بخش اصلی اختلاف میان ایران و آمریکا به تفاوت نگاه دو طرف درباره مفهوم امنیت در تنگه‌هرمز بازمی‌گردد.

ایران معتقد است امنیت این آبراه زمانی پایدار خواهد بود که کشورهای ساحلی آن نقش اصلی را داشته باشند و حضور نظامی خارجی کاهش یابد. از این منظر، تهران تلاش می‌کند هرمز را بخشی از حوزه حاکمیت و امنیت منطقه‌ای خود تعریف کند. اما آمریکا ایسن نگاه را نمی‌پذیرد و معتقد است امنیت مسیرهای دریایی باید بر اساس قواعد بین‌المللی و آزادی کشتیرانی تضمین شود. واشنگتن نگران است که مدل پیشنهادی ایران به ایجاد محدودیت برای کشتی‌های نظامی یا تجاری منجر شود. همین اختلاف باعث شده حتی با وجود نزدیک شدن دیدگاه‌های ایران و عمان، رسیدن به توافقی که برای همه بازیگران قابل قبول باشد دشوار باقی بماند.

بحث هزینه عبور کشتی‌ها؛ چالش تازه مذاکرات

یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در مذاکرات، مسئله هزینه‌های مرتبط با عبور کشتی‌هاست. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که ایران موضوع دریافت هزینه برای خدمات دریایی، کنترل ترافیک و تأمین امنیت مسیر را مطرح کرده است.

تهران این موضوع را نه به عنوان «عوارض عبور»، بلکه به عنوان هزینه خدماتی در چارچوب مدیریت دریایی مطرح می‌کند. اما منتقدان این ایده، به‌ویژه در آمریکا و میان فعالان صنعت کشتیرانی، معتقدند چنین سازوکاری می‌تواند اصل آزادی دریانوردی را تحت تأثیر قرار دهد.

این موضوع یکی از بخش‌هایی است که نشان می‌دهد حتی اگر ایران و عمان درباره چارچوب کلی به تفاهم برسند، اجرای عملی آن نیازمند حل اختلاف‌های حقوقی و سیاسی گسترده‌تری خواهد بود.

عمان: میانجی میان تهران و واشنگتن

نقش عمان در این پرونده اهمیت ویژه‌ای دارد. مسقط طی

مذاکرات میان تهران و مسقط اکنون بر سر این است که چگونه می‌توان یک سازوکار جدید برای عبور و مرور کشتی‌ها ایجاد کرد؛ سازوکاری که از یک سو نگرانی‌های امنیتی ایران را در نظر بگیرد و از سوی دیگر مانع از شکل‌گیری بحران تازه در مسیر تجارت جهانی شود.

توافق ایران و عمان دقیقاً درباره چیست؟

بر خلاف برخی روایت‌ها، موضوع مذاکرات ایران و عمان به معنای «باز شدن فوری تنگه‌هرمز» نیست. گزارش‌های منتشر شده از سوی رسانه‌هایی مانند سی‌ان‌ان و الجزیره نشان می‌دهد که دو طرف درباره یک چارچوب همکاری برای تنظیم تردد دریایی گفت‌وگو کرده‌اند؛ یعنی تعیین قواعدی که بر اساس آن کشتی‌ها بتوانند با امنیت و هماهنگی بیشتری از این مسیر عبور کنند.

اصل بحث این است که ایران و عمان، به عنوان دو کشور ساحلی تنگه‌هرمز، معتقدند امنیت این آبراه باید با نقش آفرینی کشورهای منطقه مدیریت شود. تهران تأکید دارد که کشورهای ساحلی حق دارند درباره امنیت و نحوه عبور شناورها تصمیم‌گیری کنند و حضور نظامی قدرت‌های خارجی نباید بدون هماهنگی با آنها تعیین‌کننده باشد.

در مقابل، آمریکا و برخی کشورهای غربی بر این باورند که هرمز یک مسیر بین‌المللی کشتیرانی است و هیچ کشوری نباید آزادی عبور کشتی‌های تجاری را محدود کند.

به همین دلیل، توافق مورد بحث بیشتر درباره ایجاد یک «مدل مدیریت ترده» است، نه لغو محدودیت‌ها یا بازگشت کامل شرایط پیش از بحران.

چرا باز گشایش هرمز هنوز اتفاق نیفتاده است؟

شک‌های سی‌ان‌ان در تحلیل خود تأکید کرده است که حتی اگر ایران و عمان به تفاهم برسند، این موضوع به تنهایی به معنای بازگشت کامل آزادی کشتیرانی در هرمز نیست. دلیل آن روشن است؛ مسئله هرمز فقط میان دو کشور ساحلی نیست و آمریکا نیز به عنوان یکی از بازیگران اصلی امنیتی خلیج فارس در این معادله حضور دارد.

از نگاه تهران، مشکل اصلی تنها عبور کشتی‌ها نیست، بلکه مجموعه‌ای از مسائل سیاسی و امنیتی است؛ از حضور نیروهای نظامی آمریکا در منطقه گرفته تا تحریم‌ها و اقداماتی که ایران آنها را نقض تعهدات گذشته می‌داند.

مقام‌های ایرانی بارها اعلام کرده‌اند که امنیت خلیج فارس

معمای هرمز و ادامه جنگ روایت‌ها؛

توافق ایران و عمان گره بحران را باز می‌کند؟



هرمز؛ نقطه اتصال جنگ، انرژی و دیپلماسی

تنگه‌هرمز بار دیگر به یکی از حساس‌ترین نقاط بحران میان ایران و آمریکا تبدیل شده است؛ آبراهی که هر گونه اختلال در آن می‌تواند بازار جهانی انرژی را تحت تأثیر قرار دهد و هزینه‌های اقتصادی بحران را از مرزهای منطقه فراتر ببرد. اهمیت هرمز تنها به عبور بخش بزرگی از صادرات نفت و گاز منطقه محدود نمی‌شود؛ این تنگه در دهه‌های گذشته همواره یکی از مهم‌ترین نقاط رقابت میان ایران، کشورهای عربی منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای بوده است.

پس از افزایش تنش‌های نظامی میان تهران و واشنگتن، موضوع امنیت کشتیرانی در هرمز به یکی از محورهای اصلی رایزنی‌های دیپلماتیک تبدیل شد. در این میان عمان، به دلیل روابط همزمان خود با ایران و غرب، بار دیگر نقش میانجی سنتی خود را بر عهده گرفت تا مانع از تبدیل شدن این آبراه به جبهه‌ای تازه در بحران منطقه شود.

مذاکرات تهران و مسقط درباره آینده تنگه‌هرمز در واقع تلاشی برای تدوین سازوکار جدید جهت مدیریت تردد دریایی و کاهش تنش‌هاست؛ مسیری که همچنان با اختلاف‌های جدی میان ایران، آمریکا و دیگر بازیگران منطقه‌ای روبه‌رو است.

به گزارش رویسداد ۲۴، در میانه ادامه تنش‌ها میان ایران و آمریکا، تنگه‌هرمز بار دیگر به کانون اصلی دیپلماسی و نگرانی‌های امنیتی تبدیل شده است. مذاکرات تهران و مسقط درباره ایجاد سازوکاری تازه برای تردد کشتی‌ها، اگرچه از سوی برخی رسانه‌ها به عنوان «توافق برای بازگشایی هرمز» تعبیر شده، اما واقعیت پیچیده‌تر از این است. آنچه میان ایران و عمان در حال شکل‌گیری است، نه بازگشایی کامل این آبراه، بلکه تلاش برای ایجاد چارچوبی جدید برای مدیریت رفت‌وآمد دریایی است؛ چارچوبی که همچنان با اختلاف‌های جدی درباره نقش آمریکا، حدود حاکمیت ایران و قواعد عبور کشتی‌ها روبه‌رو است.